

برای مبارزه دروازه های نوین به روی طبقه کارگر گشوده می شود

اسکات مارشال دستیار دبیر اول
حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا
برگردان "د. جیلی"

سندی که در پیش رو دارید حاصل نشست چهار روزه ای است که با تلاش کمیسیون های کار و اقتصاد حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا در اوایل فوریه ۲۰۰۶ در شیکاگو برگزار گردید. نظرات گوناگونی در این نشست پیرامون جهانی سازی کاپیتالیستی و پاسخ نیروی کار و طبقه کارگر به آن طرح و مورد بحث و بررسی قرار گرفت. بدیهی است طرح کامل کلیه مباحث مطروحه در این نشست چهار روزه در یک سند مقدور نیست. ولیکن امیدواریم سند حاضر بتواند سرآغاز شکل گیری مباحث نوینی پیرامون چالش های پیش روی کار و طبقه کارگر گردد.

اشکال جدیدی از سرمایه فراملی در سطح جهان شکل گرفته است. تمرکز وسیع سرمایه مالی، اشکال نوین انحصارات فراملی، تغییرات عظیم در سطح تکنولوژیهای مولد و تولید انبوه صنعتی، اشکال نوین تقسیم کار، گسترش فقر و رانده شدن بیش از پیش نیروی کار به صف فقرای جهان در طی مسابقه جهانی که برای تولید ثروت به راه افتاده است، از اصلی ترین مشخصه های این دوران است. در شرایط کنونی ثروت برخی از افراد از درآمد بسیاری از کشورهای کوچک نیز فراتر می رود.

سرمایه داری جهانی به رشد خود ادامه داده و به سطوح نوینی از تمرکز و اشکال پیشرفته تری از همبستگی اقتصادی در جهان دست یافته است. برخی این شرایط را گام تازه ای در مرحله ای که لنین آن را در اثر "امپریالیسم به مثابه عالی ترین مرحله سرمایه داری" توصیف نموده است، می دانند. برخی نیز این شرایط را در حکم نوعی تغییر کیفی دانسته و آن را مرحله کاملاً نوینی در سرمایه داری انحصاری معرفی می کنند. آنچه که علیرغم گوناگونی این دیدگاهها نمی توان انکار نمود این است که نظام سرمایه داری به مرحله پایانی و توقف رشد خود نرسیده است.

تغییر استراتژی متناسب با شرایط زمان

در آغاز قرن گذشته لنین با توجه به ظهور کارخانه های عظیم صنعتی که نشانگر وقوع انقلاب صنعتی بودند، از دژ امن طبقه کارگر سخن گفت. لنین بخوبی اهمیت استراتژیک و اجتماعی این کارخانه ها را در مبارزه طبقه کارگر دریافته بود. تمرکز وسیع نیروی کار در کارخانه ها منجر به پیدایی سطوح نوینی از همبستگی و کار اجتماعی شده، اهرم های فشار اقتصادی را در اختیار نیروی کار قرار می داد. همزمان نظریه پردازانی چون اوگنه دبز، ویلیام فاستر و جمعی دیگر به طرح و بسط مفاهیم مرتبط با اتحادیه های صنعتی پرداختند و در چارچوب توجه دادن به جنبش های کارگری آمریکا، اثرات انقلاب صنعتی را آشکار نمودند.

از همین رو حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا و همینطور سایر احزاب کمونیست و کارگری در کشورهای پیشرفته صنعتی تلاشهایشان را در راستای افزایش شمار اعضا و

همچنین گسترش میزان نفوذشان در کارخانه های عظیم صنعتی متمرکز نمودند. حزب کمونیست آمریکا از این دوران با نام تمرکز صنعتی یاد می کند.

این شکل از برخورد، نه یک سیاست توسعه ساده خطی، بل روندی پیچیده و چندسویه در گستره پاسخ دهی و تطبیق طبقه کارگر با واقعیت های نوین مبارزه طبقاتی بود. در حقیقت این شیوه برخورد پاسخی دینامیک از سوی احزاب کمونیست و کارگری به تغییرات کمی و کیفی وسیع در درون نظام سرمایه داری بود.

ارائه تصویر کاملی از تغییرات کیفی انجام گرفته در اقتصاد جهانی از توان این بحث خارج است، اما همانطور که پیش از این گفته شد، بسیاری از رخدادها نظیر پیشرفت های کمی در عرصه علم و تکنولوژی، مخابرات، سیستم ها و روش های تولید انبوه صنعتی، حمل و نقل سریع السیر، و تمرکز جهانی سرمایه های مالی در سایه رشد بی سابقه انحصارات فراملی بخوبی مویذ این دگرگونی عظیم است.

دیدن این دگرگونیها نیازمند ارائه سند و یا سنجش میزان تغییرات نظام سرمایه داری نیست. کافی است فقط نگاهی به مشکلات تازه و بغرنجی که جنبش کارگری و به بیانی رساتر جنبش طبقه کارگر با آن در شرایط جهانی سازی سرمایه داری مواجه است بیندازیم تا با ابعاد این واقعیت بیشتر آشنا شویم. از این روتوجه به امر مطالعه و شناخت ساختارهای بنیادین اقتصاد و تغییرات ساختاری که در پیرامون ما رخ می دهد، بیش از پیش ضرورت می یابد. رشد نظام سرمایه داری مرتبا از شتاب بیشتری برخوردار می گردد و کمونیستها نباید از آن غافل بمانند.

مشکلات ناشی از توسعه جهانی سازی سرمایه داری برای طبقه کارگر را نباید به موضوعات محدود اتحادیه های کارگری منحصر نمود. این موضوع ها تنها نگرانی کمونیستها و نیروهای چپ نیستند. موضوع های عمیقاً استراتژیکی در زمینه چگونگی دفاع و پیشبرد خواسته های طبقه کارگر در شرایط جدید مطرح است. این مسائل سبب نگرانی اغلب جنبش های پیشرویی است که در سراسر جهان در راستای تحقق عدالت اقتصادی و اجتماعی مبارزه می کنند. کمونیستها در عین حال که در جستجوی راهکارهای جدید تلاش می کنند نباید تغییرات رخ داده در سطح طبقه کارگر و اقتصاد جهانی را نیز نادیده بگیرند. وضعیت اقتصاد و موقعیت طبقه کارگر آمریکا به گونه ای جدایی ناپذیر به تغییرات جهانی نظام سرمایه داری پیوند خورده است.

همبستگی و اتحاد نمادین کافی نیست

ما باید قدرت طبقه کارگر را، بیش از هر زمان دیگری، در اشکال نوین بین المللی آن دریابیم. دیگر متحد شدن کارگران و توده های تحت ستم جهان در تئوری و به شکل نمادین کافی نیست. سرمایه داری فراملی در شرایط کنونی ضرورت سازماندهی و همبستگی کارگران و توده های تحت ستم جهان را در اشکال نوینی مطرح می سازد. شعار "کارگران جهان متحد شوید" باید به استراتژی عینی و ملموس مبارزه در شرایط کنونی مبدل گردد.

قدرت واقعی کارگران

به لحاظ تاریخی هرگونه تغییر در ترکیب نیروهای مولد نظام سرمایه داری نیازمند اتخاذ راهکارهای نوین از سوی نیروی کار است. اصل کلیدی در اتحادیه های کارگری مبارزه اقتصادی است. علیرغم باور به این نکته که ادغام استراتژیهای سیاسی و اجتماعی، اتحادیه ها را در موقعیتی قدرتمند قرار می دهد، اتحادیه ها تنها زمانی که کارگران قدرت اقتصادی شان را بصورت جمعی بکار بسته و از انجام دادن کار امتناع ورزند، در صف نخست قرار خواهند گرفت.

در روزهای نخست حیات نظام سرمایه داری، اصناف و اتحادیه های پیشه وران فعال بودند. در آن زمان مبارزه اقتصادی عمدتاً از سوی کارگران در سطوح محلی دنبال می شد. سرمایه

داری نیز در این زمان عمدتاً در ابعاد مالکیت محلی عمل می‌کرد. با ظهور انقلاب صنعتی نظام سرمایه‌داری در مرزهای ملی گسترش یافت و بتدریج به سمت انحصار پیش رفت. این امر ضرورت طراحی مکانیزم‌های سازماندهی وسیع به منظور کاربرد موثر اعتصابات کارگری را طرح نمود. در واقع دوران طولانی و فراگیر اتحادیه‌گرایی صنعتی حاصل و نتیجه چنین روندی بوده است.

امروزه نیروی کار رودرروی سرمایه‌های فراملی قرار دارد. مالکیت بیش از هر زمانی در بنگاه‌ها و موسسات مالی تمرکز یافته است. برطبق آموزه‌های تاریخی، امروز نیز ضرورت دارد که همچون گذشته و دیگر مراحل توسعه سرمایه‌داری به معانی گسترده‌تری از اتحادیه‌های کارگری دست یازیم. ما اینک در مرحله دشواری از کشف و بنای فرم‌ها و استراتژی‌های نوین، برای چگونگی اعمال نفوذ و قدرت جهانی طبقه کارگر قرار گرفته‌ایم. اتحادیه‌ها و سازمانهای کارگری باید در اشکال و قالبهای نوین بین‌المللی سازمان دهی شوند. این امر تنها به اتحادیه‌های کارگری منحصر نبوده و نیازمند تفکر دقیق، علمی و خلاق کمونیستها، نیروهای چپ و همچنین کلیه نیروهای مترقی و کارگری است. اتحادیه‌های کارگری که بر حسب نیاز، به ضرورت مبارزه می‌برم و بی‌درنگ تاکید می‌ورزند به تنهایی قادر به ارائه تحلیل جامع طبقاتی از مسائل و معضلات موجود نخواهند بود.

برای نمونه بد نیست نگاهی به وضعیت کارگران شرکت‌های اتومبیل‌سازی جی.ام (جنرال موتورز) و دلفی بیاندازیم. وال استریت و جی.ام نمونه‌ای از شرکت‌هایی هستند که در حین گرفتاری در معضلات ناشی از رقابتهای شدید جهانی به ساخت و فروش اتومبیل مشغولند. آنها خواستار پذیرش اتحادیه هستند که پرداخت حق بیمه و بازنشستگی به کارگران عملاً امکان حضور و رقابت را در بازار تولید از آنان می‌گیرد. صاحبان این شرکتها می‌گویند که شرکت‌های جی.ام/دلفی یا باید تعهداتشان را نسبت به کارگران لغو نموده و دستمزدها را کاهش دهند و یا اعلام ورشکستگی نموده و کارخانه‌ها را تعطیل کنند. متأسفانه صاحبان این شرکتها توانسته‌اند شمار وسیعی از رهبران و همچنین اعضا اتحادیه‌ها را متقاعد نمایند که تنها راه تداوم کار و اشتغال برای کارگران پذیرش شرایط جدید صاحبان کارخانه‌ها و کاهش دستمزدها از سوی کارگران است. آنها معتقدند به این شکل کارگران عملاً از سود حضور در رقابتهای سرمایه‌داری برخوردار می‌شوند. صاحبان شرکت‌های جی.ام/دلفی به گونه‌ای از ورشکستگی کارخانه در آمریکا سخن می‌گویند که گویی از یاد می‌برند که جی.ام یک بنگاه عظیم فراملی با سود و سرمایه فراوان در سراسر دنیاست. جی.ام در ۳۲ کشور کارخانه تولیدی دارد. یکی از بزرگترین سرمایه‌گذاران آمریکایی در چین و آسیا است، جایی که بزرگترین بازارها گشایش یافته و بیشترین میزان سود کسب می‌شود.

اما اگر کارگران از پذیرش این ایدئولوژی مشارکت که از سوی صاحبان صنایع خودروسازی طرح می‌گردد، سرباز زنند کدام ابزارهای اقتصادی اعمال قدرت را در آمریکا خواهند داشت؟ ابزارهای اعمال فشار طبقه کارگر در چنین شرایطی در کجا قرار دارد؟ آیا وقت آن نرسیده که همزمان با تلاش در راستای حفظ کار و حقوق کارگران، ضرورت کمک به فرارویی جنبش ایجاد همبستگی در بین کارگران جی.ام در سراسر جهان را دریابیم؟ آیا سازماندهی و همبستگی کارگران جی.ام و سایر کارگران موسسات خودروسازی در سراسر جهان تنها راه حل واقعی پیروزی در این نبرد نیست؟ هرگونه طرح و برنامه برای مبارزه کارگران کارخانه‌های خودروسازی در آمریکا باید کارگران کارخانه‌های خودروسازی در چین را نیز شامل گردد.

اتحادیه‌ها باید سقف دستمزد و شرایط کار را به منظور تامین شرایط مناسب و استاندارد زندگی کارگران، برای بنگاههای اتومبیل‌سازی تعیین کنند. نباید از یاد برد که بهبود سطح زندگی میلیونها کارگر و حتی کارگران غیر عضو در اتحادیه‌های کارگری آمریکا حاصل

مبارزات اتحادیه های کارگری برای بهبود سطح زندگی کارگران صنعتی و صنایع خودروسازی بود. حقیقت آن است که اتحادیه های صنعتی همواره بطور تحسین برانگیزی در بهبود بخشیدن به سطح استانداردهای زندگی کل طبقه کارگر در آمریکا نقش داشته اند. آیا این همان چیزی نیست که نهایتا باید در سطح جهان رخ دهد؟ در مورد اشکال سازمانی مورد نیاز هنوز نگرش معینی وجود ندارد، اما باید ایده دستیابی به استانداردهای واحد جهانی را بعنوان بخشی از راه حل، از هم اکنون در نظر داشت. باید همزمان با مبارزه روزمره به درک و دریافت چگونگی وقوع این رخداد نیز اندیشید. صنایع خودروسازی در مرکز فعالیتهای اقتصاد جهانی قرار دارند. ده مجتمع بزرگ خودروسازی در سرتاسر جهان وجود دارد که کلیه فعالیتهای خودروسازی را در تمامی قاره ها و مناطق هدایت می کنند. بهبود سطح استانداردهای زندگی کارگران شاغل در این بخش حیاتی اقتصاد جهان نقشی اساسی در بهبود استانداردهای زندگی صدها میلیون کارگر در سطح جهان خواهد داشت. این مساله در مورد سایر بخش های کلیدی اقتصاد جهانی نظیر صنایع فولاد، انرژی، صنایع پتروشیمی، صنایع غذایی و حمل و نقل نیز مصداق دارد.

لازم است بدانیم که بخش های مهمی از جنبش کارگری آمریکا به ضرورت حرکت در این مسیر رسیده اند. تجربه همبستگی کارگران صنایع فولاد با صنایع بریجستون- فایرستون، صنایع آلومینیوم راونوود، و اخیرا آسارکو درس های ارزشمندی را در خصوص ضرورت اتحادهای جهانی به اتحادیه آموخته است. توافق با اتحادیه های آهن و کائوچو در سطح جهان نباید صرفا بعنوان نوعی تبادل اطلاعات تلقی گردد، این توافق درحقیقت سرآغاز دستیابی به استانداردهای جهانی و فراملی محسوب می گردد.

آیا همزمان با افزایش شمار نیروهای کار می توان گامهای عملی نیز در راستای به حرکت درآوردن آنان برداشت؟ در زمان CIO نیروهای چپ و کمونیست به درستی دریافته بودند که اتحاد، مبارزه با نژادپرستی، و مبارزه در راستای تحقق عدالت و برابری از عمده ترین مسائل در امر گسترش و توسعه اتحادیه های صنعتی بشمار می آیند. از همین رو ما برای شکل گیری کمیسیون های حقوق مدنی و اشتغال مناسب در اتحادیه ها تاکنون تلاش زیادی نموده ایم. اما آیا اکنون زمان آن فرانسیده است تا در باره شکل گیری کمیسیون های همبستگی بین المللی در سطوح محلی و بین المللی اتحادیه ها نیز فکر کنیم و وارد عمل شویم؟

امروزه کارگران در آمریکا از سطح آموزشی و فرهنگی بالاتری نسبت به قبل برخوردار هستند. امکانات ارتباطی مدرن برای کارگران نیز امکان دستیابی به نوعی نگرش جهانی و همچنین تشخیص چالش های جهانی که با آن رودررو می گردند، را فراهم ساخته است. بیائید شعار "کارگران جهان متحد شویم" را در عمل تعمیق بخشیم. کمیسیون های بین المللی اتحادیه ها می توانند از طریق کمپین ها و اعتصابات جهانی اتحادیه ها، سطح همبستگی بین المللی را ارتقا دهند. فعالیت اتحادیه ها در مقابله با آپارتاید در آفریقای جنوبی و شرکت کوکا در کلمبیا می توانند بعنوان مدل های عینی این نوع فعالیت معرفی شوند. اتحادیه ها می توانند با افزایش سطح آگاهی و شناخت اعضا آنان را به صحنه این مبارزه بکشانند.

ما باید به مسائل دیگری نیز بیندیشیم. تبادل کارگر با کارخانه های همتا در چین، هند، آفریقا، خاورمیانه، و آمریکای جنوبی مزایای فراوانی برای کارگران آمریکا خواهد داشت. ما در حین آنکه در راستای ازبین بردن شکاف های موجود در بین نیروهای کار در کشورمان تلاش می کنیم، باید دریابیم که چگونه می توانیم با کمک سایر احزاب کمونیست شکاف موجود میان نیروی کار در سطح جهان را نیز کاهش دهیم.

باید به مبارزه سیاسی اندیشید

هم اکنون کارگران دلفی با کاهش دستمزدها و حذف مزایای کار مبارزه می کنند. ما حتی یک لحظه نیز نباید از مسئولیتیمان در کمک به این مبارزه غفلت کنیم. این نه تنها مبارزه ای

برای مقابله با کاهش دستمزدها از سوی جی.ام/دلفی، بلکه نوعی مبارزه سیاسی ارزشمند است. قوانین مرتبط با ورشکستگی به سلاخی در دست وکلای شرکتها تبدیل گشته تا به راحتی با کمک آن قراردادهای منعقد با اتحادیه ها را فسخ و حقوق و مزایای کارگران اعم از بیمه های درمانی و حقوق بازنشستگی را پرداخت نکنند. تمامی نیروهای مترقی باید تلاش هایشان را در جهت اصلاح این قوانین بکاربندند. مبارزه برای احقاق بیمه های خدمات درمانی، حمایت از حق بازنشستگی، و تقویت خدمات تامین اجتماعی بویژه برای کارگرانی که با تعطیلی و ورشکستگی کارخانه ها دست به گریبانند، حکم نوعی مبارزه سیاسی حیاتی را دارد.

خط مشی سیاسی قدرتهای سرمایه داری جهانی بویژه در آمریکا از اهمیت فراوانی برخوردار است. توافقات به اصطلاح بازار آزاد، سیاستهای پولی، سیاستهای مالیاتی و سرمایه گذاری بطور وسیع بر وضعیت کارگران در سطح جهان اثر می نهد. گسترش جنبش ضد جهانی سازی و اعتراض به سیاستهای بانک جهانی و صندوق بین المللی پول نشان دهنده قابلیت های نهفته این نوع مبارزه سیاسی است. تظاهرات صورت گرفته در سرتاسر جهان بویژه تظاهرات سیاتل و میامی عملاً موجب کند شدن و متوقف شدن اجرای طرح های سرمایه فراملی گشته است. توقف توافق ننگین چندملیتی در زمینه سرمایه گذاری عمدتاً نتیجه و حاصل مبارزه سیاسی در بسیاری از کشورها بوده است.

اگرچه هم دموکراتها و هم جمهوریخواهان از سیاستهای مرتبط با افزایش سطح دسترسی به سرمایه فراملی سود می برند، اما با پیشی گرفتن جمهوریخواهان افراطی در کنگره و حضور بوش در کاخ سفید این روندها سرعت بیشتری یافته اند. شکست جمهوریخواهان افراطی در انتخابات کنگره امسال و همچنین شکست جمهوریخواهان مشابه بوش در انتخابات سال ۲۰۰۸ از اهمیت مهمی برای لگام زدن به سرمایه فراملی برخوردار است.

"جهانی دیگر ممکن است"

ایجاد اشکال نوین سازمان ها و اتحادیه های بین المللی طبقه کارگر باید در تمامی سطوح دنبال شود. جنبش جهانی کمونیستی باید از مباحثات تئوریک و مبادلات مرسوم در بین احزاب کمونیست برادر فراتر رفته و اشکال نوینی از همبستگی را بنیان نهد. مبارزه موثر بر علیه سرمایه فراملی نیازمند جستجوی ابتکار عمل مشترک از سوی احزاب چپ و کمونیست است. احزاب کمونیست و چپ باید از طریق ائتلاف با سایر احزاب طبقه کارگر و نیروهای هم پیمان به این مبارزه یاری رسانند.

هرچند اتحاد با احزاب کمونیست و چپ از اهمیت بسزایی برخوردار است اما هدف ما صرفاً تحقق این امر در سطح جهان نیست. هدف ما تقویت طبقه کارگر جهان و متحدین آن در این مبارزه است.

در این مرحله از مبارزه، جنبش جهانی کمونیستی باید از شر مسائل قدیمی و رسوبات گذشته رها شود. ما نمی توانیم دست روی دست بگذاریم و منتظر پیشرفت شرایط بمانیم. ما موظفیم روش های گذشته و عادات متعصبانه را کنار گذاشته و برای دستیابی به اشکال نوینی از سازماندهی و اتحاد تلاش کنیم. ما باید کنشگرایانه تر عمل کنیم.

اشکال مبارزه طبقاتی جهانی

کمونیستها در سرتاسر جهان باید برای جلب و درگیر نمودن اتحادیه ها و کارگران به مبارزه طبقاتی در مقیاس کلان و جهانی مبارزه کنند. جنبش جهانی فروم اجتماعی، مبارزه برای تدوین عهدنامه های زیست محیطی جهانی، جنبش صلح، مبارزه جهانی بر علیه فقر و بیماری ایدز از مواردی است که بصورت جهانی شکل گرفته و کارگران و توده های تحت ستم را در سرتاسر جهان به هم پیوند داده است.

۱۰۰ میلیون مهاجر اجباری

توسعه سرمایه فراملی شمار مهاجران در جستجوی کار را شدیداً افزایش داده است. براساس گزارشهای سازمان ملل متحد بیش از صد میلیون کارگر در جستجوی کار، زادگاهشان را ترک نموده اند. این روند شگفت آور مهاجرت که عمدتاً نیز از روی اجبار صورت می گیرد نتیجه مستقیم سرعت گرفتن روندهای جهانی سازی سرمایه داری است.

گسترش بی رویه مهاجرت در جستجوی یافتن کار در پیوند مستقیم با روندهای آزادسازی سرمایه و حرکت آزادانه آن در سرتاسر جهان قرار دارد. قابلیت فزاینده سرمایه فراملی در امر کنترل و هدایت اقتصاد کشورها و حرکت افسارگسیخته آن در نادیده گرفتن استقلال ملی موجب ویرانی زندگی روستایی در بسیاری از کشورها گردیده است. مجتمع های فراملی فرآوری مواد غذایی، محصولات کشاورزی و دامی میلیونها نفر را از زمین هایشان بیرون رانده اند.

تبعیض نژادی بر علیه مهاجرین به ابزاری حیاتی در جنبش های حقوق بشری سراسر جهان مبدل گشته است. کارگران مهاجر در تمام مناطق نقش کلیدی در مبارزه علیه جهانی سازی سرمایه داری و سرمایه فراملی دارند. ما عملاً این پدیده مبارک را از طریق برپایی تظاهرات گسترده و ایجاد سازمانهای جدید در آمریکا تجربه کرده ایم.

اندیشه های مارکسیستی ما وسیعاً از حرکات کارگران مهاجر الهام گرفته است. کارگران مهاجر عملاً در اعتلا تجارب و تئوری ها در کشورهای مقصد نقش حیاتی دارند. تظاهرات در عمل ذهنیت نیروی کار را به خود مشغول نموده است. آنها تقریباً در گسترش اتحادیه ها در بسیاری از عرصه ها و حتی فراتر رفتن از مسائل مهاجرین نقش عمده ای ایفا می کنند.

برآمد عظیم چین

در عرصه جهانی، چین به قدرت بزرگی تبدیل می شود. برای طبقه کارگر آمریکا و برای حزب ما مناسبات با چین دارای اهمیت استراتژیک بزرگی است. درصد معنی دار و رشد یابنده ای از دارایی های آمریکا یا ظرفیت تولید ابیوه کنترل شده ای در چین مستقر شده است. درصد همواره رشد یابنده ای از این تولیدات جهت صادرات است. سرمایه فراملی آمریکا، سرمایه گذاری عمده را در بخش های حیاتی تولیدات صنعتی انبوه، از جمله اتوموبیل، مواد شیمیایی، الکترونیک و هوا فضای چین دارد. بیش از ۱۰۰ شرکت فراملی آمریکایی پروژه هایی در چین دارند. انباشت سرمایه گذاری آمریکا در چین با رسیدن به مرز ۵۴ میلیارد دلار در اواخر سال ۲۰۰۵ کشور ما را به دومین سرمایه گذار بزرگ خارجی در چین تبدیل می کند.

همبستگی میان طبقه کارگر چین و آمریکا برای پیشرفت حیاتی است. ترساندن از چین با ضد کمونیسم رسوای آن و تبعیض ضد چینی، به ابزار مهمی برای سرمایه درکند کردن انترناسیونالیسم طبقه کارگر در آمریکا، نه تنها برای کارگران بل برای سایر جنبش ها، نظیر جنبش حفظ محیط زیست و جنبش ضد جهانی سازی تبدیل شد است. اهمیت حیاتی دارد که به بهبود و گسترش روابط خود با حزب کمونیست چین ادامه دهیم و در ارتقا تمام روش های تعامل میان اتحادیه با اتحادیه، کارگر با کارگر و مردم با مردم بکوشیم.

به دلایل همانند بسیاری، هند نیز باید طرف توجه بین المللی ما قرار گیرد. سرمایه گذاری فراملی آمریکا فاسد است. اگرچه ضد کمونیسم (در هند) چنین نقشی را بازی نمی کند، (اما) تبعیض ضد هندی و ضد آسیایی و شوینیسم نیز رشد انترناسیونالیسم طبقه کارگر را به تاخیر می اندازد.

استدلال های مختلف اما نه چندان ضعیفی نیز برای حلب حداکثر توجه مابه آفریقا وجود دارد. گستردگی فلاکت و غارت امپریالیستی منابع طبیعی و نابودی و عدم ثبات تمام ملت ها و مناطق آفریقا برای طبقه کارگر جهان سؤال برانگیز است. همانطور که می دانیم،

تبعیضت ضد افریقایی و ضد افریقا امریکایی نقش ویژه ای در کند کردن آگاهی طبقاتی و انترناسیونالیسم در امریکا بازی کرده است. در حقیقت همانطو که طبقه کارگر میهن به درستی، بدون رهایی فقیرترین بخش طبقه کارگزار فقر نمی تواند رهایی یابد، به همین دلیل هم طبقه کارگر جهان منافع حیاتی در وارد کردن یک طبقه زیر فقر و عقب ماندگی جهانی دارد.

تقسیم بندی نوین جهانی کار

اختلاط جهانی و سرمایه گذاران فراملی تقسیم جهانی کار نوینی را به وجود آورده است، که به نحو فزاینده ای بسیاری از ظرفیت های تولید انبوه صنعتی را در مناطق و کشورهای به شدت فقیر جایگزین می نماید. این امر نه تنها موضوعی به خاطر پایین ترین سطح دستمزدها بلکه به خاطر حرکت تولید به سمت گریز از بهداشت و تعدیل هزینه های زیست محیطی نیز هست. آشکار است که این جایگزینی در کشورهای با اکثریت سیاه پوستان، سرخ پوستان و مردم آسیایی انجام می گیرد. نژاد پرستی و شونیسیم ملی (در این امر) هویدا است. نقش فراملی ها در هائیتی و ساموای امریکا (جزیره ای واقع در غرب جزیره مستقل ساموا در جنوب اقیانوس آرام که در سال ۱۹۷۰ از کشورهای مشترک المنافع بریتانیا مستقل گردید. این جزیره دارای ۲۸۳۱ کیلومتر مربع مساحت و در سال ۲۰۰۳ تعداد ۱۷۸۱۷۳ نفر جمعیت داشته است.) نشانگر این موضوع در نزدیکی کشور است.

زنان کارگر، به طور طبیعی در خط مقدم مبارزه علیه جهانی سازی سرمایه داری قرار دارند. زنان قربانی ویژه این مرحله جدید از سرمایه فرا ملی هستند. بسیاری از بدترین کارگاه های دنیا درصد بالایی از زنان را در شرایط برده واری که در دوران برآمد سرمایه داری صنعتی حاکم بود استخدام می کنند. امروزه زنان پرشماری به طور روز افزون در تعداد کثیری از کارخانجات و تولید جهانی متمرکزی شوند.

مسابقه جهانی برای انقیاد طبقه کارگر در تولیدات صنعتی سبب تحلیل سلامت و امنیت و سایر شرایط کار در سراسر جهان منجمله در کشورهای صنعتی و امریکا گشته است.

خطرات جنگ و رقابت داخلی امپریالیسم

امروز امریکا تنها ابر قدرتی است که بی پروا برای تامین اهداف اقتصادی و سیاسی خود در سراسر جهان خواستار استفاده از نیروی نظامی است. این قدرت آشکارا در جهت منافع کوتاه بینانه سرمایه فراملی امریکا عمل کرده است. جنگ عراق و حضور نظامی گسترش یابنده در کلمبیا تنها دو نمونه جاری هستند.

هنوز، این استنباط که رقابت امپریالیستی بین قدرت های امپریال امری مربوط به گذشته است، یا آن که خطر جنگ بین این رقبا کاهش یافته است، می تواند یک اشتباه باشد. در حقیقت، با آن که جنگ عراق در خدمت منافع چندین شرکت فراملی امریکا از جمله منافع نفتی و مقاطع کاران امریکایی است، در عین حال حاوی این هشدار به رقیبان امریکا است که امریکا قصد تسلط بر منطقه را دارد. و اگرچه جنگ مستقیم بین بلوک امپریالیستی ملت ها به زودی محتمل نیست، اما انواعی از «جنگ های وکالتی» و عدم ثبات کنش های نظامی صلح را تهدید و سالانه هزاران نفر را کشته و معیوب می سازد.

موضوع تجارت

موضوع تجارت برای طبقه کارگر جهان جلوه عظیمی دارد. با این که واقعیتی است که اتحاد اقتصادی جهان ناگزیر است، اما دوران جهانی سازی برای طبقه کارگر، موضوع مبارزه است. ما باید به دقت در به اصطلاح تجارت آزاد آن چه را که به سود کارگران است از آن هایی که به سود سرمایه فراملی است جدا کنیم.

کارل مارکس موضوع را اجمالا در فرازی از گفتار خویش مطرح کرد: «او» در موضوع تجارت آزاد» گفت «به طور خلاصه، تجارت آزاد چیست، تجارت آزاد در شرایط کنونی جامعه چیست؟ (تجارت آزاد) آزادی سرمایه است. وقتی شماحصارهای اندک ملی را که هنوز رشد سرمایه را محدود می کند سرنگون کرده اید، فقط به آن (سرمایه) آزادی عمل کامل داده اید. بنابراین مادام که شما مزد کارگر را به وجود سرمایه نسبت می دهید، این مهم نیست که اوضاع در جایی که تبادل کالا انجام می گیرد چقدر مطلوب است، همیشه طبقه ای وجود خواهد داشت که استثمار خواهد کرد و طبقه ای که استثمار خواهد شد.»

کارگران در تمام زمان ها هیچ شانس انتخابی جز مبارزه برای (حفظ) کارشان و علیه تباهی ندارند. ما نمی توانیم و نباید خواسته باشیم در حالی که مشاغل از دست می رود و چوامع ما به نام تقزیر انتزاعی جهان خوب بزرگتر یا با وعده این که در آینده مشاغل دیگری ایجاد خواهد شد ناظر باشیم.

طبقه کارگر امریکا و تمرکز بر امروز

مرحله جدید سرمایه ملی تاثیر عمیقی بر طبقه کارگر امریکا، در ترکیب آن، و توانایی آن در مبارزه با گذشته داشته است. امروزه مراکز تولید بسیار اندکی سنگرهای چپ وجود دارد. خودکارسازی، علم و تکنولوژی عمیقا روند تولید را تغییر داده اند. امروز ارتباطات، کامپیوترها، و بسیاری به اصطلاح مشاغل خدماتی بسیار بیش از گذشته به روند تولید وابسته هستند. خصوصی سازی و همگرایی روز افزون سرمایه مالی در دستگاه دولتی، عمیقا نقش دولت و سایر کارگران عمومی را در اقتصاد دگرگون کرده است.

طبقه کارگر به صورت معنی داری در سراسر جهان و در شرایط بومی با این تغییرات رشد کرده است. تعداد کارگران درگیر در تولید انبوه صنعتی در سطح جهان افزایش یافته است. محصول تولیدات صنعت جهانی در ۱۰ سال گذشته ۳۴ درصد گسترش داشته است. اما در سطح محلی، کارگران صنعتی، در آن چه که ما به اصطلاح صنایع بنیادی می خوانیم، در موقعیت ضعیف تری قرار گرفته است. بسیاری از این صنایع، هنوز برای اقتصاد جهانی بنیادی هستند، اما تولید جهانی به معنای از دست دادن فاحش قدرت نفوذ این کارگران و اتحادیه های ملی آن هاست. صنعت اتومبیل سازی امریکا این نکته را بیش از پیش روشن می سازد.

امروزه اتحادیه های صنعتی در حال تغییرند. با این که صنایع تولید انبوه صنعتی هنوز مرکز اقتصاد ملی هستند، ولی فقدان نفوذ، محیط خشن ضد کارگری، و یکسان سازی و حملات دولتی به کارگران متشکل، اتحادیه های صنعتی را در جهت تبدیل شدن به اتحادیه عمومی صنعت هل داده است اگرچه هنوز بر صنعت قدیم مخصوص خود متمرکز هستند. برای بسیاری از این اتحادیه ها بقا موضوع اساسی است. انشعاب اخیر کارگری به شیوه های بسیار، بیشتر ناشی از عدم توانایی یافتن راهی برای مقابله با جهانی سازی سرمایه داری است تا هر چیز دیگر. احتیاج مبرم برای چپ و کمونیست هادر کمک به یافتن راهی برای حل این مسائل بخشی از مسئولیت تاریخی ماست.

سوال کلیدی چگونه طبقه کارگر می تواند برای قدرت و نفوذ سازمان دهی گردد نمی تواند به طرح سازماندهی تنها کارگرانی که نمی توانند در مشاغل جذب شوند کاسته شود. ما برای سازمان دهی موثر برای کسب قدرت و نفوذ در داخل کشور، ترجیحا ناچار به پذیرش وظیفه چالش انگیز یافتن راه هایی برای ایجاد اتحادیه و سازمان طبقه کارگر و عمل در مقیاس جهانی هستیم.

ما حتی با اندیشه های غلط نمی توانیم فقط کنار گود بایستیم و بگوئیم لنگش کن. شکایت ساده در باره فقدان کانون در یک صنعت یا یک بخش از اقتصاد چیزی را تغییر نخواهد داد. ما مجبوریم وضعیت را آن جنان که هست بکاویم و چگونگی حرکت چیزها را از این موقعیت

کشف کنیم . باید برای امروز اندیشه اصول تشکیلات اتحادیه های صنعتی بزرگتر و دارای انواع مختلف را در اغوش گیریم . جنبش کارگران ، درست همانگونه که سی ای او اندیشه اصول تشکیلات اتحادیه ای را ارتقا داد که بسیار بزرگتر از اصول تشکیلات اتحادیه ای صنعت بود، امروز نیز نیازمند تدارک اشکال جدید اتحادیه است که در هر دوعرصه ملی و بین المللی درگیر باشد . این اشکال جدید باید به سوی ایده های بزرگتر و شجاعانه تر در باره سازمان دهی رهبری شود .

بخش کمونیست ما هم باید اندیشه جدید و تغییر یابنده جهان را بازتاباند. سیاست تمرکز صنعتی باید به اندیشه ای بسیار بزرگتر و گسترده تر ارتقا یابد. آری ما نیازمند توجه به ساختن حزب و نفوذ آن در بخش های استراتژیک طبقه کارگر هستیم ، اما این بخش های استراتژیک نمی تواند شمارش ساده چیزهایی باشد که ما عادت داریم صنایع اساسی به حساب آوریم. ما، همانند بقیه طبقه کارگر، باید با واقعیت امروز جهان منطبق شویم . البته باید، به تمرکز در صنایع حیاتی که هنوز اقتصاد جهان را راه می برندمانند اتوموبیل سازی ، فولاد، و کارگران تولیدات انبوه صنعتی ادامه دهیم . صنعت حمل و نقل باید به صدر لیست حرکت نماید . صنعت حمل و نقل به یکی از قطب های بسیار عمده و با نفوذ در مقابل سرمایه داری فرا ملی تبدیل شده است .

و پیوسته تکرار کردنی است که این نوع از تمرکز استراتژیک باید کاملا با مبارزه علیه سرمایه فرا ملی پیوند داشته باشد. در جهان امروز، کارگران فولاد، اتومبیل سازی و کارکنان حمل و نقل می توانند بزرگترین نفوذ استراتژیک و قدرت خود را در عرصه بین المللی داشته باشند. به موازات کاهش کارخانه دار (تولید صنعتی) در ایالات متحده امریکا ، سرمایه مالی وسیعا گسترش یافته است. یک کمپانی عظیم فولاد ، محصول ادغام میتال و آرسلور، دومین کمپانی بزرگ فولاد جهان، به زودی به رکورد تولید بیش از ۱۰ درصد فولاد جهان دست خواهد یافت . این کمپانی خواهد توانست کارخانه های تولید فولاد خود را در تمام قاره ها مستقر ساخته و بیش از ۳۰۰,۰۰۰ کارگر فولاد کار را به استخدام در آورد فولادکارانی که برای میتال در ایندیانا یا حتی تمام کارگران میتال در سراسر امریکا به تنهایی قادر به ادامه ان نخواهند بود . ما همچنین باید تمرکز مهم کارگران در عرصه خدمات بهداشتی ، تولید مواد غذایی ، ارتباطات و انرژی و آب و برق ... و کارکنان بخش عمومی (دولتی) و بخش هایی از اقتصادمان که به طور افزایش یابنده ای عرصه های استراتژیک مبارزه طبقه کارگر هستند مد نظر قرار دهیم . همان طور که کارگران تدارک غذای خطوط هوایی در فرودگاه هیت رو لندن نشان دادند ، حتی در جایی که به نظر می رسد (این کار) وظیفه محلی باشد ، همبستگی بین المللی اهرم اصلی برای متوقف کردن حمله کمپانی به مشاغل ، دستمزدها و مزایا بود .

کمیسون کارگری حزب کمونیست ، تاسیس پیشرونده کمیته های فرعی برای توسعه کار استراتژیک متمرکز در صنایع فولاد، اتوموبیل سازی ، ارتباطات ، ترابری دریایی/صنعت حمل و نقل ، تولید مواد غذایی و مراقبت های بهداشتی را آغاز کرده است . این لیست کاملی از بخش هایی که برای اقتصاد ما حیاتی هستند نیست . در عوض ، ما باور داریم ، که باید منابع اولیه و اتحادی را به وجود آوریم که بتواند به توسعه این کمیته ها اجازه دهد. هدف ما کسب گسترش ردپای کمیته های فرعی در این بخش ها است . ما چشم انتظار کمک کمیته ها برای تدارک مقالاتی جهت انتشار ، و گزارش های کارگری و توسعه جهانی در این بخش ها خواهیم بود. با این روش ما به جلب توجه حزب برای کار در این صنایع کمک خواهیم کرد .

ما همچنین باید راه کارهای استراتژیک متمرکز سازی های مجاور خود را نوسازی کنیم . کارگرانی که در بخش خاصی از اقتصاد یا صنعت کار می کنند خیلی زیاد در همان محل ها زندگی نمی کنند . چند پارچگی و عدم تمرکز تولیدات انبوه صنعتی منجر به چند پارچگی و عدم پیوستگی در همسایگی ها شده است .

لازم به ذکر نیست که بسیاری در مجاورت طبقه کارگر به شدت از چندپارچگی و فقدان اجتماع و پیوستگی آگاهند. عده ای در جستجوی اشکال جدیدی از اجتماع هستند. متمرکز کردن مجاورت ها، ابزاری حیاتی برای ساختن حزب و اعتبار ماست. تمرکز محوری کلوب های اجتماعی ما بر همسایگان طبقه کارگر با توجه ویژه به سیاه پوستان، امریکای لاتین ها، آسیایی های امریکایی و سرخ پوستان مجاور، نیاز مند نوسازی است. چگونگی تمرکز کانونی بر اعتراضات توده ای، ایجاد ائتلاف ها، و مبارزه برای اتحاد طبقه کارگر چند نژادی و جند ملیتی موضوع های حیاتی در این کار هستند.

در نتیجه: کارما وظیفه کم مایه ای نیست. پاسخ طبقه کارگر به انقلاب صنعتی و مرحله امپریالیستی سرمایه داری در چرخش اوایل قرن گذشته، مبارزه چند جانبه و طولانی مدت طبقه کارگر بود. در عین حال دوران رشد بسیار پر ابهت کمونیسم و احزاب و جنبش های کارگری، زمان رشد اتحادیه های صنعتی، و دوران گسترش مبارزه طبقه کارگر نیز بود. بنا براین، امروز نیز پاسخ ما به مرحله جدید سرمایه فراملی، باید به انجام رساندن وظیفه دشوار کمک به کشف جسورانه شیوه های نوبری ایجاد همبستگی بین المللی طبقه کارگر، (کشف) اشکال جدیدی از اصول تشکیلات کارگری و سازمان دهی کارگران، ساختن حزب، و ایجاد پیوند با جنبش جهانی کمونیستی و کارگری است.

سایت حزب کمونیست امریکا Farhange tose-e

راه توده ۱۲۱ ۰۲،۰۵ ۲۰۰۷